

## جایگاه شهر و کاخ‌های هخامنشی تموکان دشتستان در معرفی و شناسایی پیشینهٔ ۲۵۰۰ سالهٔ حضور سیاسی ایرانیان در کرانه‌ها و پهنهٔ دریای پارس

دکتر افشین یزدانی<sup>۱</sup>، دکتر بهمن فیروزمندی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی جایگاه و چشم انداز تاریخی و سیاسی پس کرانه دریای پارس در منطقهٔ دشتستان برازجان در دورهٔ هخامنشی بر اساس منابع معتبر تاریخی و باستان-شناختی است که شامل منابع تاریخی کلاسیک و همچنین شواهد باستان‌شناختی مانند یافته‌های شاخص معماری و نوشتاری و جنبه‌های مختلف هر کدام می‌شود. بر اساس منابع کلاسیک، پژوهشگران عرصه جغرافیای تاریخی مدت‌هاست که به شناسایی مکانی در حدود دشتستان به عنوان شهر بندری هخامنشی «تموکان» که محل برپایی کاخی از شاهان پارس بوده است، مشغول شده‌اند. امروزه با توجه به شواهد باستان‌شناختی که به روش بررسی میدانی، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناختی در چند دهه گذشته آشکار شده‌اند، نوشته‌های تاریخی موجب مکان-یابی و شناسایی مطمئن شهر بندری تموکان (تائوکه) و کاخ‌های شاهی نزدیک آن شده‌اند. پژوهش حاضر ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که منطقه دشتستان در دوره هخامنشی و بندر تائوکه در ساحل دریا و اندکی بالاتر از بندر امروزی بوشهر در مصب رود دالکی به عنوان نقطه آغاز سفرهای دریایی به سرزمین‌های جنوبی‌تر هخامنشی مانند عمان و بحرین و همچنین سرزمین‌های دوردستی مانند هند و مصر مورد استفادهٔ شاه، دربار و مقامات دولتی و ناوگان دریایی قرار می‌گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تموکان، تائوکه، خلیج فارس، هخامنشی، برازجان، بوشهر

۱- نویسندهٔ مسئول: دکتری باستان‌شناسی از دانشگاه تهران afshinyazdani@gmail.com

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

## مقدمه

با شکل‌گیری پادشاهی هخامنشیان توسط کورش بزرگ و پس از آن پیروزی‌های کمبوجیه، داریوش بزرگ و خشایارشا، پهنه شاهنشاهی پارس از دریای اژه در یونان تا آسیای مرکزی و تا بخش‌هایی از هندوستان کهن گسترش یافت به راحتی می‌توان تصور کرد که دریای پارس و کرانه‌های آن به ویژه با توجه به فاصله اندک تا مراکز چون پاسارگاد و تخت جمشید نیز بی‌شک بایستی محل حضور سیاسی هخامنشیان شده باشد. در این رابطه یکی از بهترین و روشن‌ترین اسناد حضور ایرانیان در پهنه آب‌های جنوبی را باید در نامگذاری این دریا و قدمت آن جستجو کرد. بر اساس شواهد نوشتاری، نخستین اشاره روشن و صریح به نام دریای پارس به قرن پنجم پیش از میلاد یعنی سال‌های نخستین شکل‌گیری دودمان هخامنشیان باز می‌گردد. پیش از آورده شدن نام خلیج فارس توسط استرابو و آریان به ترتیب در قرن‌های نخست پیش از میلاد و دوم میلادی، برای نخستین بار جغرافیدانی یونانی به نام «هکاتئوس» (Hecataeus) است که در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد برای نامیدن پهنه آبی جنوب ایران از نام «خلیج فارس» (Persikos Kolpos) استفاده کرده است.<sup>۱</sup> اشاره‌ای که باید از آن به عنوان کهن‌ترین سند نوشتاری از نام دریای پارس نام برد (Potts 2009: 39).

در کنار سند قدمت نام «خلیج فارس»، منابع تاریخی کلاسیک اشاره‌هایی روشن به حضور ایرانیان در کرانه‌ها و جزیره‌های دریای پارس دارند.<sup>۲</sup> که از آن جمله باید به نوشته‌های هرودوت اشاره کرد که برای دو بار از ساکنان جزیره‌های دریای اریتره سخن می‌راند. یکی زمانی که این مناطق را به عنوان بخشی از استان چهاردهم هخامنشی در زمان فرمانروایی داریوش بزرگ برمی‌شمرد (Herodotus 1828: 237) (Hist 3.89) و دیگری زمانی که از مردمان این نواحی به عنوان همراهان سپاه خشایارشا در نبرد «دریسکوس» یاد می‌کند (Hist. 7.80). اعتبار استان چهاردهم تا پایان دوره هخامنشیان در نیمه دوم قرن چهارم پیش از میلاد بواسطه گزارش آریان از سفر دریاسالار یونانی، نئارخوس (Nearchus)، در راستای کرانه‌های شمالی دریای پارس و ملاقات با فرماندار هخامنشی منطقه به نام «مازنس» (Mazenes)، در جزیره قشم مورد تأیید و تأکید دوباره قرار می‌گیرد (Arrian, Indica 34.1, 36.1 & Strabo, Geog. 16.3.7). شواهد تاریخی موجود را باید انعکاسی از اقدامات و تلاش‌های نخستین کورش و بویژه داریوش بزرگ در توجه به مسیر دریایی خلیج فارس به عنوان یک پهنه بزرگ و مهم آبی در گستره امپراطوری دانست.

۱- بخشی از آثار وی در نوشته‌های نویسنده متأخر عصر بیزانس یعنی «استفان» از اهالی بیزانس به دست ما رسیده است. نک. Meineke 1849 : 396.

۲- برای آگاهی بیشتر از کیفیت حضور ایرانیان در دریای پارس و کرانه‌های آن در دوره هخامنشی نک: Potts 2010.

بزرگترین شاهد این مدعا سخن داریوش بر سنگ یادمان «شالوف» در شمال شهر سوئز کنونی است که در آن به روشنی به هدف خود از ساخت و تکمیل پروژه بزرگ و جسورانه آبراه «سوئز» در حرکت کشتی‌ها در آن آبراه تا دریای سرخ و از آنجا تا بندرگاه‌های واقع در سرزمین پارس اشاره و تأکید دارد.<sup>۱</sup>

### مبانی نظری

بنیان نظری استدلال در پژوهش حاضر بر مبنای «قیاس» شکل گرفته است. قیاسی که اثبات درستی مقدمه‌های آن براساس اصول مورد قبول در شیوه استدلال عملی «استقرا» به روش طرح فرضیه، مشاهده و آزمودن یافته‌ها بنیان نهاده شده است.<sup>۲</sup> به شکلی ساده «دانسته»‌های ما در این قیاس شامل دو جمله است. بر اساس جمله نخست، سازه‌های به دست آمده در منطقه دشتستان برازجان در گروه بناهای شاهی هخامنشی جای می‌گیرند که به دستور مستقیم شاه هخامنشی براساس چارچوب و الگوی معماری شاهانه ساخته و پرداخته شده‌اند. شناخت ما نسبت به جمله نخست با توجه به بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در دیگر محوطه‌های شناخته شده از دوران هخامنشی مانند تخت جمشید، شوش، اکباتان و به ویژه پاسارگاد و شباهت آن‌ها به لحاظ ویژگی‌های فنی و سبک‌شناسی معماری و هنرهای وابسته با سازه‌های منطقه برازجان حاصل شده است. جمله دوم نیز بیانگر این مهم است که براساس کاوش‌ها، بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، مکان‌یابی سازه‌های هخامنشی با ویژگی درباری و معماری استاندارد و شاخص مربوط به خود تنها در پایتخت‌های سیاسی مانند شوش، اکباتان، بابل و سارد یا در پایتخت‌های تشریفاتی مانند پاسارگاد و تخت جمشید و یا در سازه‌هایی که محل استقرار و گذر شاه و دربار در راه رسیدن به یکی از این مراکز یا دیگر مراکز سیاسی بوده قابل مشاهده و شناسایی است.<sup>۳</sup> به بیانی ساده‌تر سازه‌های شاهی هخامنشی در هر منطقه که دیده شوند نشان‌دهنده اهمیت سیاسی یا ارتباطی بالای آن منطقه در ارتباط با سایر مناطق و نواحی شاهنشاهی دارد. بر اساس این دو جمله یا دانسته بنیادین است که بناهای کشف شده در منطقه برازجان به دلیل آن که سازه‌هایی شاهی شناخته می‌شوند، نشان‌دهنده اهمیت سیاسی منطقه بوده و می‌توانند به نوعی بیانگر وجود دو فرض و دلیل اساسی برای توجیه مکان‌یابی آن‌ها شوند که یکی شناخت وجود مرکز و پایتختی

۱- در رابطه با جایگاه دریا در شاهنشاهی هخامنشی نک. توین بی ۱۳۷۸ و مدنی ۱۳۶۹.

۲- برای آگاهی از جزئیات نک. Stronach 1964& 1978.

۳- برای آگاهی بیشتر از شیوه‌های منطق عملی و نظری و همچنین مبانی استدلال در باستان‌شناسی نک. دادبه ۱۳۸۵ و دارک ۱۳۷۹.

سیاسی یا تشریفاتی در منطقه برازجان و دیگری اهمیت ارتباطی منطقه در گستره سازمان یافته و پیوسته شبکه راهها در شاهنشاهی هخامنشی است. اگرچه با بررسی منابع نوشتاری و به ویژه موردتوجه قراردادان جایگاه جغرافیایی منطقه خلیج فارس و کرانه‌های آن، فرض دوم که دلیل وجودی سازه‌های نامبرده را وجود یک بندرگاه مهم در کرانه دریای پارس به عنوان نقطه آغاز و پایان سفرهای دریایی مهم به مقصد مسیرهای دوری چون هند و مصر می‌داند به جهت همخوانی با دیگر اسناد و مدارک مورد قبول تر واقع می‌شود. مسیری که موردتوجه و کارکرد شاه، دربار و مقامات رسمی و دولتی قرار می‌گرفته تا آن جا که نیاز به ساخت چندین اقامتگاه شاهانه مانند سازه‌های بین راهی منطقه نورآباد و به ویژه کاخ جین‌جان فهلپان ضروری دانسته شده است. البته به دلیل ماهیت داده‌های باستانی و تحلیل ما از آن‌ها نکته بسیار مهمی که لازم به یادآوری آن دیده می‌شود و ذهن پژوهشگران را به آن معطوف می‌کنیم، بحث تغییرپذیری و زوال تدریجی یافته‌ها و مواد باستان‌شناختی بر اثر گذر زمان است. به بیان بهتر آن چه که امروزه در منطقه برازجان به عنوان آثار هخامنشی موردشناسایی قرار گرفته است، تنها مشتی است نمونه خروار. چرا که سطح استقرار هخامنشی همان‌گونه که در محل کاخ برازجان دیده می‌شود برای بخش‌هایی از منطقه تا حدود دو متر در زیر انباشت طبیعی مدفون شده است و اگر در مورد اخیر نیز شانس به یاری باستان‌شناسان نمی‌آمد، شاید هیچ‌گاه کاخ چرخاب کشف و کاوش نمی‌شد. مورد دیگر در همین راستا نیز تنها بخش‌هایی توانسته باقی بماند و به دست ما برسد که از استحکام و دوام بیشتری برخوردار بوده‌اند مانند ته ستون‌ها و جرزهای سنگی در حالی که بیشتر بخش‌های استقرار مانند ستون‌ها و دیوارها که از چوب یا خشت بوده‌اند، نابود شده و از میان رفته‌اند. فرایندی که برای استقرارهای عمومی و شهری با توجه به حجم بیشتر مواد سست و ضعیف‌تر موجب نابودی بیشتر داده‌ها و مواد باستان‌شناختی شده است.

### روش تحقیق

همان‌گونه که بیان شد، بنیان استدلال در این تحقیق بر اساس قیاس و نتیجه‌گیری بر اساس دانسته‌ها یا برهان‌هایی است که درستی آن‌ها پیش از این به وسیله باستان‌شناسان و متخصصان بسیاری ثابت و روشن شده است. اگرچه لازم به اشاره است که فرایند استدلال و پس از آن تدوین و نگارش پژوهش حاضر مانند جمع‌آوری اطلاعاتی که ثابت می‌کند سازه‌های برازجان از همان دسته بناهای شاهی هستند که به‌طورمستقیم زیرنظر دربار ساخته شده‌اند، یا جمع‌آوری شواهد برای اثبات این مهم که تاریخ‌گذاری این سازه‌ها به دوران نخستین شاهان پارس یعنی کوروش و داریوش بزرگ باز می‌گردد و این که بناهای موجود به طور کامل ساخته شده و مورداستفاده نیز

قرار گرفته‌اند از روش بررسی و مشاهده میدانی، بررسی و جستجوی کتابخانه‌ای و جستجو در گزارش‌های کاوش و انتشارات موجود و مرتبط با موضوع استفاده شده است.

### بحث و یافته‌ها

استان بوشهر با مساحتی حدود ۲۷/۶۵۳ کیلومتر مربع بر ساحل شمالی خلیج فارس و در همسایگی استان‌های فارس خوزستان و هرمزگان قرار گرفته است. این استان به دلیل جغرافیای طبیعی به دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود. قسمت کوهستانی استان از دو رشته کوه اصلی تشکیل شده که در سراسر طول استان در راستای شمال باختری- جنوب خاوری امتداد یافته‌اند. قسمت جلگه‌ای در کناره و منتهی به دریا که از رسوب‌های رودهای دالکی، شاپور، اهرم و مند (Ahram) تشکیل شده است که به ویژه در جلگه دشتستان شهرستان برازجان به دلیل برخورداری از آب شیرین و زمین‌های مناسب‌تر و نزدیکی به منابع کوهستانی و مسیر باستانی به سرزمین‌های درون فلات بالاترین تراکم محوطه‌های باستانی را از دوره‌های پیش از تاریخی تا سده‌های اخیر شامل می‌شود. بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در چند دهه پیشین در منطقه یادشده شواهد ارزنده‌ای از انجام فعالیت‌های گسترده ساختمانی در دوره شاهنشاهی هخامنشی آشکار کرده‌اند، اگرچه متأسفانه به دلیل ایجاد نخلستان‌های متراکم و انبوه در بخش‌های وسیعی از منطقه، امکان شناسایی‌های بیشتر بسیار سخت و دشوار شده است.

### موقعیت جغرافیایی و ماهیت شهر و کاخ‌های هخامنشی تموکان (تائوکه):

حضور هخامنشیان در بخش‌های شمالی دریای پارس و به ویژه در کرانه‌های شمالی آن و انجام فعالیت‌های معماری شاهانه در آن نواحی پیش از این به وسیله گزارش استرابو از وجود کاخی مربوط به شاهان پارس در ساحل و در نزدیکی مکانی با نام «تائوکه» (Strabo, Geog. 15.3.3) و همچنین گزارش آریان از سفر دریاسالار یونانی، نئارخوس، (Arrian, Indica: 39) دانسته شده بود و مدت‌ها محل شهر هخامنشی مورد اشاره با محل شهر با نام «تموکان»<sup>۱</sup> «Tam(uk)ka(n)» در گل نبشته‌های ایلامی تخت جمشید (Metzler 1977: 1057-60; Hallock 1959: 177-79) و در نهایت با مکان شهر آمده در سفرنامه‌های سده‌های نخستین تا میانه اسلامی «توج»<sup>۲</sup> (Tawwaj) در جایی در منطقه دشتستان در میانه راه برازجان به گناوه یکی فرض می‌شد.<sup>۳</sup> در این رابطه شرحی که

۱- برای نگارش آوایی واژه تموکان نک. Potts 2009 و منابع آورده شده در آن جا.

۲- «توج» به خوبی می‌تواند واژه دگرگون شده «تائوکه» باشد.

۳- برای آگاهی بیشتر نک. Schiwek 1962: 4-97 و d'Anville, Bourguignon 1764

آریان از گزارش سفر نثارخوس یونانی در راستای کرانه شمالی خلیج فارس از محل و موقعیت «تائوکه» می‌دهد، بسیار قابل توجه است: پس از گذر از مسیل خشک «پادارگوس» (Padargus) آن‌ها پیچ خوردگی ساحل را در راستای یک شبه جزیره (که دارای کشت و زرع و باغستان‌هایی از انواع گوناگون درختان بود) دنبال کرده و در مکانی به نام «مزامبریا» (Mesambria) توقف کردند. از مزامبریا آنها به اندازه ۲۰۰ استادیا (Stadia) تا «تائوکه» (Taoke)، دریانوردی نموده و در رود «گرانیس»<sup>۱</sup> (Granis) پهلو گرفتند. در نزدیکی این مکان و در فاصله ۲۰۰ استادیا<sup>۲</sup> (یا ۳۳ کیلومتر) از آن کاخی از شاهان پارس وجود دارد (Vincent 1809: 61; Arrian, Indica. 39).... پژوهشگران توصیف نثارخوس از مزامبریا را به عنوان شبه جزیره‌ای آباد دارای انواع کشت و زرع و باغستان برابر با موقعیت «لیان» ایلامی در جنوب شبه جزیره بوشهر دانسته‌اند (آمی ۱۳۸۱: ۵۲، Pezard 1914)، با توجه فاصله ارائه شده میان مزامبریا (بوشهر امروزی) تا تائوکه و این که تنها رود دائمی در این منطقه رود «دالکی» یا «هله» (Helleh) است، تائوکه در نزدیکی و یا کناره مصب آن قرار داشته است. جالب آن است که بنا بر اظهار نثارخوس کاخ (یا کاخ‌های شاهی) در فاصله حدود ۳۳ کیلومتری از محل تائوکه قرار داشته است. مکانی که با توجه به موقعیت کاخ‌های شاهی منطقه برازجان و اندازه‌گیری فاصله آن‌ها تا ساحل رود دالکی شباهتی معنادار نشان می‌دهد و بر اساس همین هم-خوانی جغرافیایی گزارش سفر نثارخوس از تائوکه و محل کاخ شاهی آن است که امروزه با توجه به شواهد کشف شده از چندین کاخ هخامنشی در منطقه دشتستان برازجان این مکان به عنوان بهترین گزینه برای انتساب محل شهر هخامنشی تائوکه یا تاموکان مطرح شده است (تصویر ۱)، (Wiesehofer 2001: 78; Koch 1993: 21; Cook 1983: 33).

خوشبختانه براساس اشاراتی که در متون باستانی شده است این امکان وجود دارد که به دلیل ماهیت و کارکرد شهر تاموکان در نظام شهری، سیاسی و تجاری هخامنشی کارکردهای مشخصی برای آن قائل شد. از یک گل‌نبشته به دست آمده از باروی تخت جمشید به شماره ۵۴۷ کارگر مصری که در راه تاموکان بوده‌اند، اشاره شده است و جالب این که به جز این‌ها، صدها کارگر دیگر از تراکیه، لیبی یا کاپادوکیه نیز در این محل به کار مشغول بوده‌اند (Garrison 1996: Nos. 49, 532). حضور افرادی از ملیت‌های گوناگون به خوبی بیانگر انجام فعالیت‌های ساختمانی شاهی در ابعاد و مقیاس بالا در محل این شهر در دوران فرمانروایی داریوش بزرگ در ۵۰۰ سال پیش از میلاد است که البته به خوبی می‌تواند ادامه فعالیت‌های ساختمانی از زمان کورش بزرگ باشد با توجه به

۱- رودی که از «گرا» می‌آید.

۲- «استادیا» واحد اندازه‌گیری مسافت در یونان باستان بوده که برابر با ۱۶۴٫۵ متر برآورد شده است (نوربخش ۱۳۶۹: ۱۳۶).

نوشته‌ای که از زبان داریوش بزرگ در شوش به دست آمده است، می‌دانیم که مصری‌ها در کنار مردمان سرزمین ماد و سارد در کارهای ساختمانی به عنوان طلاکار، نجار و مسئول زیباسازی و تزئینات دیوارها به خدمت گرفته می‌شدند (Schmidt 1953: 30)؛ وظیفه و مسئولیتی که می‌توانستند در ساخت‌وسازهای بناهای شاهی در تموکان نیز بر عهده داشته باشند.

تصویر ۱- منطقه برازجان و بندر بوشهر و موقعیت کاخ‌های شاهی و بندر تائوکه هخامنشی



☆: کاخ چرخاب ▲: کاخ بردک سیاه ★: کاخ سنگ سیاه

(برگرفته از نقشه اطلس راه‌های ایران، گیتاشناسی ۱۳۸۴)

گل‌نشته‌ها همچنین به موقعیت مهم ارتباطی تموکان با سایر نواحی جنوبی‌تر مانند «مکاش» در عمان امروزی اشاره دارد (PF 679 & 680) و از این‌رو از تموکان به عنوان محل ارسال و فرستادن مواد خوراکی و مواد مورد نیاز روزانه برای ساتراپ‌های جنوبی‌تر استفاده می‌شده است (Cook 1983: 65) در یک مورد از تحویل شراب به ساتراپ «مکاش» در محل تموکان سخن رفته است که می‌تواند به معنای کاربری این محل به عنوان بندرگاه برای عزیمت به آن سوی دریای پارس در کرانه‌های جنوبی تلقی شود (Potts 2009: 38). از این رو بندر تموکان می‌توانسته برای آغاز سفرهای دریایی به سوی مصر و سرزمین هندوستان نیز مورد استفاده قرار گیرد. همان‌گونه که هرودوت ادعا کرده است، اکتشاف دریایی که به دستور داریوش بزرگ و به وسیله «اسکیلاکس» (Scylax) با هدف شناسایی مسیر دریایی از رود سند در هند تا مصر انجام شد و موجب شد مسیری یافت شود که مورد استفاده هندی‌ها و ایرانی‌ها قرار گیرد: (Herodotus 1828 289). بر اساس متن یادمان آبراه سوئز داریوش بزرگ به روشنی به حرکت شمار زیادی کشتی از مسیر آن آبراه از مصر به سوی سرزمین پارس اشاره می‌کند (Posener 1936: 180). بسیار بدیهی است که بایستی بندری به عنوان لنگرگاه کشتی‌های مورد اشاره داریوش در کرانه‌های شمالی خلیج فارس در مسیر طولانی مصر تا بخش‌های داخلی سرزمین پارس به ویژه شهر پارسه (تخت جمشید) و پاسارگاد وجود داشته باشد و با توجه به شواهد موجود، شایسته است بندر تموکان را به عنوان بهترین گزینه در نظر بگیریم (Potts 2010: 230)؛ بنابراین آنچه از کنار هم قرار دادن تمامی شواهد و مدارک دریافت می‌شود این است که تموکان را باید شهر و بندرگاهی آباد و موردتوجه شاهان هخامنشی به حساب آورد به گونه‌ای که به دستور «شاه شاهان» کاخ‌هایی هم‌رتبه و مقام دیگر کاخ‌های شاهی در شوش، تخت جمشید، اکباتان و بابل در نزدیکی آن برای اقامت شاه برپا شده بود. همان‌گونه که گفته شد خوشبختانه به واسطه کشف سه کاخ مربوط به دهه‌های نخستین فرمانروایی هخامنشیان در منطقه برازجان و در فاصله حدود ۳۰ کیلومتری از ساحل درستی ادعای تاریخ‌نگاران باستان و همچنین گل‌نشته‌های تخت جمشید در رابطه با وجود بندری به نام تموکان (تائوکه) و کاخ‌های شاهی در نزدیکی آن به اثبات رسیده است که در ادامه بحث با توجه به درجه بالای اهمیت این سازه‌های شاهی، ضمن تشریح هر یک از آن‌ها تلاش داریم تا وجود آن‌ها را در منطقه دشتستان به عنوان سندی از حضور پررنگ و معنادار سیاسی ایرانیان در راستای سیطره سیاسی بر کرانه‌ها و دریانوردی در دریای پارس یادآور شویم. اهمیتی که لازم است به مردمان سراسر دنیا بیش از پیش شناسانده و معرفی شود.



### کاخ چرخاب برازجان

کشف بازمانده کاخ شاهنشاهان هخامنشی در برازجان در ارتفاع ۴۴ متری از سطح دریای پارس را باید یک شانس باستان‌شناسی به حساب آورد، بدین ترتیب که سازمان آب منطقه فارس و بنادر طرحی داشت که آب رودخانه شاپور را به بوشهر برساند. هنگام پیاده کردن این طرح در مسیر خاک‌برداری لوله‌ای که از شهر برازجان عبور می‌کرد (تصویر ۱) با برخورد بیل خاکبرداری به یکی از شال ستون‌های کاخ<sup>۱</sup> موضوع به آگاهی مقامات مسئول رسید که موجب بازدید و کاوش محل کشف شالی توسط آقای سرفراز شد.<sup>۲</sup> ادامه کاوش‌ها موجب آشکار شدن سه پایه ستون چهارگوش دو پله شد که در طرح و سبک همانندی آشکاری با پایه‌ستون‌های کاخ‌های کوروش بزرگ در پاسارگاد نشان می‌داد (تصویرهای ۲ و ۳). به دلیل همین شباهت‌ها بود که کاوش‌گر بنای کشف شده را «کاخ کوروش» نامید (Sarfraz 1973: 188) و بر این نظر بود که به دلیل مرگ کوروش ناتمام رها شده است که البته اعتبار این نظریه بر اساس شواهد موجود به شدت مورد انتقاد نگارندگان قرار دارد.<sup>۳</sup> کاخ چرخاب از یک تالار مرکزی با دو ردیف شش‌تایی ستون تشکیل شده که دارای سه درگاه در جانب شمال، جنوب و خاور است. درگاه خاوری به ایوانی باز می‌شده است که دارای دو ردیف ته ستون همانند نمونه‌های تالار کاخ اما در اندازه کوچک‌تر بوده است (تصویر ۴).

۱- این کاخ در زیر حدود دو متر رسوبات رودخانه‌ای مدفون شده است و اگر بخت و اقبال به یاری باستان‌شناسان نمی‌آمد هیچ‌گاه کشف نمی‌شد از این رو همان‌گونه که بررسی‌ها هم نشان داده‌اند باید یکی از دلایل ناشناخته ماندن محوطه‌های هخامنشی و البته پیش از آن را در خط تراز پایین تر از ۲۰ متر در جلگه بوشهر به دلیل میزان بالای رسوب‌گذاری در این محدوده دانست (Carter 2006: 68). سطح خلیج فارس در ۱۴۰۰ سال پیش به جز در مسیر رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌های حاصل از آنها به طور کامل خشک بود. از آن زمان به این سو سطح دریا پیوسته در حال بالا آمدن بوده است تا آنکه در حدود ۸۰۰۰ سال پیش به حدود سطح کنونی رسیده است. برای آگاهی بیشتر نک: Lambeck 1996: 43-57

۲- موقعیت دقیق این کاخ برابر است با ۲۹ درجه و ۱۵ دقیقه و ۲۷ ثانیه شمالی و ۵۱ درجه و ۱۱ دقیقه و ۲۰ ثانیه خاوری.

۳- لازم به یادآوری است که استدلال کاوشگر در ارتباط با ناتمام ماندن کار ساختمانی به دلیل مرگ کوروش در سال ۵۲۹ پیش از میلاد یا پی‌بردن به گزینش نامناسب برای مکان کاخ به علت قرارگیری در مسیر سیلاب با توجه به آوار سقف در ایوان شرقی، کشف عناصر و مجسمه‌های تزیینی وابسته به معماری نادرست می‌نماید. افزون بر آن که تفاوت پرداخت سنگ‌ها در بخش پله‌ای و هموار ته ستون‌ها و همچنین درگاه‌ها بیان‌گر قرارگیری جرزهایی است که زمانی در محل قرار داده شده بودند.

تصویر ۲ - تالار کاخ هخامنشی چرخاب برازجان و پایه ستون‌های سنگی آن



(عکس: سعید نیکو)

ته‌ستون‌های کاخ کورش برازجان همانند نمونه‌های خود در پاسارگاد از ترکیب سنگ‌های سیاه و سپید و از یک پایه با دو پله به شکل دو چهار گوش بزرگ و کوچک بر روی هم و یک شال ستون بر فراز آنها با قطر ۸۵ سانتی‌متر و از سنگ سیاه و بدون شیار ساخته شده است. پله زیرین که بزرگتر است با ۳۶ سانتی متر بلندا و ۱۱۰ سانتی‌متر درازا از دو سنگ سیاه در بخش پایین و سپید با بلندی یکسان در بالای آن (هر کدام ۱۸ سانتی متر) تشکیل شده است. درزگیری دو بخش یاد شده به اندازه‌ای دقیق انجام شده است که در ابتدا شناسایی دو تکه بودن این بخش ته-ستون دشوار به نظر می‌رسد. بر روی پله اول یک پله دیگر به اندازه ۲۵ در ۸۵ در ۸۵ سانتی متر از سنگ سپید قرار داده شده است (سرفراز ۱۳۵۰: ۳۰). به هر حال جدای از بحث کامل یا ناکامل رها شدن ساخت کاخ، تاریخ‌گذاری آن به دوره کورش بزرگ بر اساس شباهت پایه ستون‌های این کاخ با نمونه‌های موجود در پاسارگاد به ویژه کاخ موسوم به «بارعام» در میان پژوهشگران مورد پذیرش همگانی است.<sup>۱</sup> در این میان «جان بردمن» با توجه به سبک و تناسب موجود در شال ستون و بخش زیرین ته ستون، فاصله زمانی میان کاخ‌های بارعام و اختصاصی را برای کاخ برازجان پیشنهاد می‌کند<sup>۲</sup> (Boardman 2000: 66). «جیمز کوک» نیز این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که چرخاب باید همان کاخی باشد که نثارخوس از آن در نزدیکی بندر تائوکه نام می‌برد (Cook 1983: 33).

۱- برای آگاهی از سازه‌های پاسارگاد نک. Stronach 1978.

۲- شال ستون‌های کاخ اختصاصی از سنگ سپید و شیاردار، اما شالی‌های کاخ بارعام بدون شیار و از سنگ سیاه ساخته شده است.

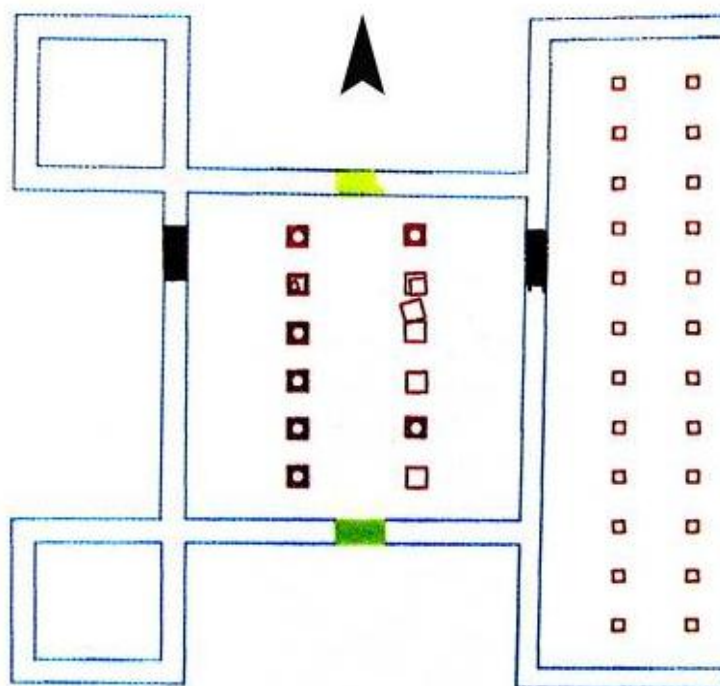
تصویر ۳- نمایی از ردیف تهستون‌های خاوری تالار کاخ در زمان کاوش ایوان



(عکس: سعید نیکو).

به لحاظ موقعیت باید کاخ چرخاب را دارای آسان‌ترین مسیر دسترسی دانسته و از این رو به عنوان پربیننده‌ترین محوطه از میان سایر سازه‌های هخامنشی منطقه به شمار آورد که می‌تواند به سادگی در برنامه گردشگران از شهر بوشهر یا برازجان قرار گیرد. دسترسی به این محوطه از شهر بوشهر در کمتر از نیم ساعت و از مرکز شهر برازجان نیز تنها با صرف پنج دقیقه زمان امکان‌پذیر است. پوشش فضای اصلی تالار پس از انجام دور دوم کاوش‌ها در دهه ۸۰ را اگرچه باید به جهت کارکرد حفاظتی در برابر باران‌های سیلابی منطقه و همچنین تابش نور خورشید یک اقدام مثبت ارزیابی کرد؛ اما ارتفاع بسیار کوتاه و شیوه اجرای ابتدایی آن به‌شدت به منظره کاخ آسیب وارد کرده است که جا دارد در نخستین فرصت با پوششی مناسب که کمترین خدشه را به چشم‌انداز تالار و ایوان اصلی آن وارد کند، جایگزین شود. وجود تسهیلات بهداشتی، راهنمای آگاه به ویژه در فصل‌های پربیننده مانند نوروز و ایجاد سالن معرفی در محل می‌تواند در رونق گردشگری و ارتقای جایگاه فرهنگی کاخ چرخاب و سایر محوطه‌های ناشناخته دوره هخامنشی نقشی به‌سزا داشته باشد.

تصویر ۴- طرحی از نقشه کاخ چرخاب برازجان



(ابراهیمی، ۱۳۸۸: تصویر ۳،۳).

**کاخ بردک سیاه<sup>۱</sup>:**

این کاخ در بررسی‌های سال ۱۹۷۸ به سرپرستی آقای احسان یغمایی کشف شد (تصویر ۱). بردک سیاه در میان نخلستان‌های شمال روستای درودگاه و در فاصله ۱۷۰۰ متری از آن در شمال شهر برازجان، در بلندای ۳۰ متری از سطح دریاهاى آزاد قرار گرفته است.<sup>۲</sup> امروزه اطراف آن را

۱- این کاخ از این جهت در میان اهالی محلی به بردک سیاه معروف شده است که برخی از سنگ‌های به کار رفته در آن که به رنگ سیاه است در گویش محلی دشتستانی‌ها به «برد» (Bard) معروف است و از این رو بردک سیاه، یعنی «سنگ سیاه کوچک» (فخرایی ۱۳۹۰: ۱۵).

۲- موقعیت دقیق این کاخ برابر است با ۲۹ درجه و ۲۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه شمالی و ۵۱ درجه و ۶ دقیقه و ۳۵ ثانیه خاوری.

نخلستان‌های گسترده فراگرفته است.<sup>۱</sup> کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه در سال‌های ۱۹۷۸ و ۲۰۰۵ (مهر ۱۳۸۴) انجام شد که نتیجه آن کشف یک تالار اصلی با ۱۶ پایه ستون در چهار ردیف چهار تایی و سه درگاه سنگی در سه سوی خاوری، شمالی و باختری و یک درگاه گسترده در سوی جنوب است که به ایوان جنوبی می‌پیوندد. این ایوان دارای پایه ستون‌هایی نصف اندازه تالار اصلی است که تاکنون چهار پایه ستون آن در وضعیت آسیب دیده به دست آمده است (تصویر ۵). پایه ستون‌های تالار میانی بردک سیاه همانندی بسیاری در ساختار و اندازه با نمونه‌های کاخ کورش بزرگ در چرخاب دارد<sup>۲</sup> (تصویر ۶). بر اساس پرداخت شال ستون گمان می‌رود ساقه ستون‌ها از چوب بوده و سرستون‌ها نیز از جنس گچ به شکل دو شیر یا دو عقاب پشت به هم بوده است. درگاه ایوان جنوبی نیز دارای جرز سنگی بزرگی بوده که یکی از آنها شاه را که تنها بخش‌هایی از چتر، تاج، موها و شانه آن باقیمانده است در زیر چتر شاهی و به شکل ایستاده نشان می‌دهد<sup>۳</sup>. نقش شاه با توجه به تاریخ‌گذاری بر اساس مقایسه سبک‌شناسی معماری بایستی به کورش یا داریوش بزرگ تعلق داشته باشد.<sup>۴</sup> از دیگر یافته‌های ارزشمند کاوش باید به یک سند نوشتاری به خط و زبان بابلی اشاره کرد که با وجود آسیب شدید در شکل آن به دست ما رسیده است. تلاش برای برگردان متن آن باعث آشکار شدن چندین واژه شده است: ...روی (برفراز) سر (در) نهادم... کاوشگر بر اساس یافت شدن آثار سوختگی، ترک کاخ را به آتش‌سوزی سربازان اسکندر نسبت می‌دهد (یغمایی ۱۳۸۴، ۷۳).

۱- گسترش نخلستان‌ها تا عرصه اثر با توجه به تصویری که آقای یغمایی در سال ۱۳۵۰ از محوطه کاخ پیش از کاوش‌ها تهیه کرده، مربوط به سال‌های اخیر است.

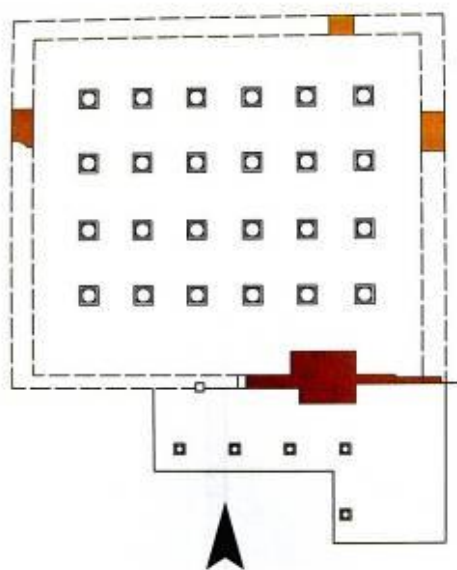
۱- با این تفاوت که اندازه هر یک از چهار گوش پله زیرین پایه ستون‌ها در تالار مرکزی کاخ ۱۱۱ و بلندی آن ۴۲ سانتی‌متر است (۶ سانتی‌متر بلندتر از کاخ کورش) پله دوم که از سنگ سپید ساخته و پرداخته شده است به شکل چهار گوش با اندازه ۸۵،۶ سانتی‌متر برای هر سو و بلندی ۱۹ سانتی‌متر است (۶ سانتی‌متر کوتاه‌تر از نمونه کاخ کورش). شال ستون نیز از سنگ آهک سپید رنگ دارای شیارهای کاو ساخته شده و اگر چه در دو فصل کاوش به جز قطعه‌های شکسته و کوچک هیچ نمونه سالمی به دست نیامده است، با توجه به نمونه‌های موجود بایستی دارای قطری در حدود ۸۲-۸۴ سانتی‌متر برای دو دایره زیرین و زیرین و بلندی ۱۸،۵ سانتی‌متر بوده باشد. فاصله پایه ستون‌ها نیز از یکدیگر در راستای خاور به باختر ۲،۱۱ متر و در راستای شمال به جنوب ۲،۷۵ متر اندازه‌گیری می‌شود.

۲- در مقایسه این نقش با نمونه‌های استاندارد و رایج نقش شاهان هخامنشی در زیر چتر شاهی در تخت جمشید دو تفاوت آشکار دیده می‌شود یکی تزئین لبه‌های چتر شاهی با منگوله‌های آویزان و دیگری نبود خدمتکار مگس‌پران به دست در پشت سر شاه.

۳- در صورت انتساب به کورش بزرگ، باید آن را پس از نقش انسان بالدار تنها نقش موجود از وی تلقی کرد. برای بحث پیرامون نوع تاج و نقش آن در کمک به شناسایی شاه در دوره هخامنشی نگاه کنید به: Henkelman 1995: 280

تهستون‌های این کاخ در مقایسه با کیفیت مناسب تهستون‌های کاخ چرخاب به شدت دچار فرسایش شده که با توجه به نشانه‌های باقیمانده بر دیواره محل کاوش این فرض که در مواقعی کاخ در مسیر سیلاب‌های زمستانی قرار می‌گرفته است، بسیار قوی به نظر می‌رسد. با توجه به لایه نازک‌تری از رسوبات و انباشت که تا پیش از کاوش روی آثار را می‌پوشانده است آثار به شدت در معرض رطوبت خاک و تغییرات حاصل از دمای هوا قرار می‌گرفته است. خوشبختانه به تازگی بر روی تالار اصلی کاخ سرپوشی قرار داده شده است که می‌تواند از شدت بالای فرسایش آثار تا حد زیادی بکاهد. اگرچه این امر کافی نبوده و اقدامات حفاظتی و مرمتی تخصصی بسیار ضروری و لازم می‌نماید. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، مسیر دسترسی به این کاخ از روستای درودگاه و از میان نخلستان‌های انبوه محل می‌گذرد. بهسازی مسیر دسترسی که امروزه به صورت خاکی است و ایجاد بسترها و تسهیلات مناسب و لازم برای جذب گردشگر می‌تواند موجب ارتقای جایگاه گردشگری این محوطه مهم هخامنشی شود.

تصویر ۵ - طرحی از نقشه کاخ بردک سیاه و تالار جنوبی آن که کاوش آن به اتمام نرسیده است.



(ابراهیمی، ۱۳۸۸: تصویر ۳، ۶).

تصویر ۶ - نمایی از تالار کاخ هخامنشی بردک‌سیاه در شمال روستای درودگاه دشتستان پس از کاوش



(عکس: سعید نیکو)

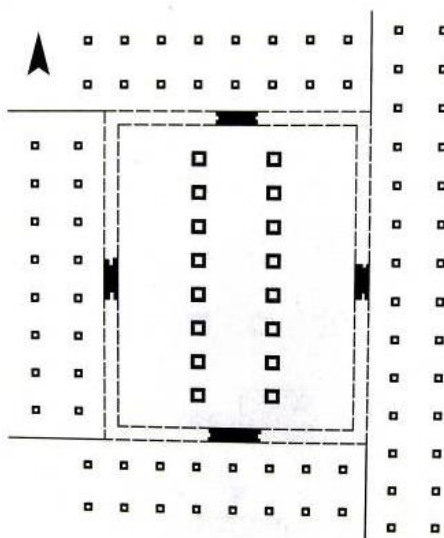
#### کاخ سنگ سیاه:

این کاخ در تیرماه ۱۳۵۰ به دنبال گزارش مقامات محلی به اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ و با رهسپار شدن آقای سرفراز به محل رسماً شناسایی شد (سرفراز، ۱۳۵۰: ۲۸). این بنای شاهی در فاصله ۹ کیلومتری شمال باختری کاخ چرخاب، ۲۲۰۰ متری جنوب خاوری روستای جتوط و ۴۰۰ متری شمال رودخانه دالکی در ارتفاع ۳۹ متری از سطح دریا قرار گرفته است.<sup>۱</sup> (تصویر ۱). بنای سنگ سیاه دارای یک تالار مرکزی و چهار ایوان در چهارسوی آن با تالار مرکزی با اندازه‌ای در حدود ۲۴ در ۲۰ متر مربع دارای ۱۶ ستون در دو ردیف هشت‌تایی است (تصویر ۷). هر یک از پایه‌های ستون‌های ساختمان به همان شکل چهار گوش دو پله و از دو سنگ سیاه و سپید تشکیل شده است. چهار ایوان با چهار درگاه سنگی از چهار سو تالار مرکزی کاخ را در بر گرفته است. هر یک از ایوان‌های جنوبی، شمالی و باختری از دو ردیف هشت‌تایی ستون ساخته شده، در حالی که ایوان خاوری ۲۸ ستون در دو ردیف ۱۴ تایی داشته است. یافته‌ها نشانگر آن است که ستون‌های تالار

۱- موقعیت دقیق این کاخ برابر است با ۲۹ درجه و ۲۰ دقیقه و ۱۷ ثانیه شمالی و ۵۱ درجه و ۹ دقیقه و ۴۸ ثانیه خاوری.

میانی و ایوان‌ها از چوب با پوشش گچ و سرستون‌ها تندیس‌هایی به گونه دو عقاب یا دو شیر پشت به هم بوده و همچنین دیوارهای خشتی بنا پوششی به رنگ سبز داشته است.<sup>۱</sup>

تصویر ۷- طرحی از نقشه تالار و ایوان‌های کاخ هخامنشی بردک سیاه

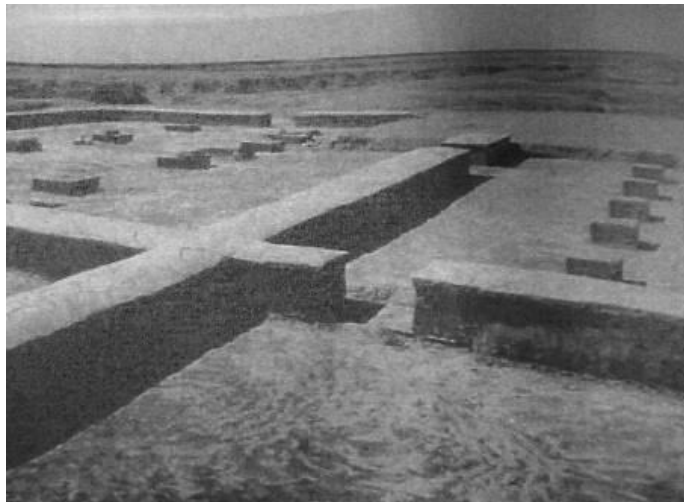


(ابراهیمی ۱۳۸۸: تصویر ۳،۴)

محوطه سنگ سیاه را باید مهجورترین محوطه هخامنشی منطقه برازجان دانست که مورد تخریب و بی‌مهری فراوان قرار گرفته است. در حالی که بر اساس تصویرهای موجود، کیفیت سازه در زمان کاوش خوب و مناسب دیده می‌شود (تصویر ۸). اما بر اثر تخریب و ویرانی عمدی مالک زمین، این محوطه امروزه در وضعیتی بسیار نابسامان و ناشایست قرار دارد (تصویر ۹). جا دارد محوطه سنگ سیاه که امروزه بر خلاف دو محوطه دیگر بدون هر گونه نگهداری و حصار حفاظتی به حال خود رها شده است، مورد مرمت و حفاظت قرار گیرد و پس از آن با آماده‌سازی مسیر دسترسی به آن بتوان به عنوان یکی از اسناد و یادمان‌های حضور سیاسی ایرانیان در کرانه دریای پارس که مورد بازدید گردشگران نیز می‌تواند قرار گیرد، دست یافت.



تصویر ۸- نمایی از تالار و ایوان کاخ سنگ سیاه پس از کاوش و پیش از تخریب در سال ۱۳۸۳



(یغمایی، ۱۳۸۳: تصویر ۱۹۱)

تصویر ۹- محوطه‌سازه ۲۵۰۰ ساله سنگ سیاه پس از تخریب ناجوانمردانه توسط مالک زمین



**معدن سنگ هخامنشی کوه گیسکان:**

بر بالای کوهستان تنگ‌گیر (Tange- Gir) در حاشیه شمالی شهر برازجان و حدود هفت کیلومتری کاخ چرخاب، آثار استخراج، پرداخت و شکل‌دهی صدها قطعه ته‌ستون، سنگ درگاه و قطعه‌های

دیگر از کارها دیده می‌شود که بر اساس شیوه استخراج و پرداخت به درستی به معدن کاران و سنگ تراشان هخامنشی نسبت داده شده است.<sup>۱</sup> بازدید از این معدن ضمن آن که چشم‌اندازی زیبا و گسترده از کرانه‌های دریای پارس و نخلستان‌های دشتستان در اختیار بیننده قرار می‌دهد، وی را با پشت صحنه قسمتی از مراحل ساخت‌وسازهای هخامنشی از جمله چگونگی استخراج سنگ‌ها و شیوه‌های انتقال آن‌ها تا محل ساخت‌وساز آشنا می‌کند.

### شهر هخامنشی:

در بررسی‌های باستان‌شناسی انجام شده در سال ۲۰۰۴ توسط گروه باستان‌شناسی مشترک ایرانی-انگلیسی شماره ۳۲ محوطه استقرار هخامنشی بر اساس یافته‌های سفالی سطحی در منطقه دشتستان مورد شناسایی قرار گرفت (Carter 2004: 94). بر اساس نتیجه‌گیری باستان‌شناسان شباهت الگوی پراکنش محوطه‌های شناسایی شده با دوره ساسانی بیانگر یک روند پیوسته استقرار قوی در منطقه از دوره هخامنشی تا دوره ساسانی است.<sup>۲</sup> با توجه به نتیجه بررسی‌ها و شناسایی‌های کنونی، این‌گونه دریافت می‌شود که افق استقرار دوره هخامنشی - فراهخامنشی به صورت توده‌ای از محوطه‌های استقراری انبوه و فشرده درست بیرون روستای «محمدآباد» (ده قائد) در شمال شهر برازجان قرار گرفته است. باستان‌شناسان محوطه‌های مترکم در این منطقه را بر اساس نوع و طرح سفال‌های یافت شده و انجام بررسی‌های مقایسه‌ای با محوطه‌های هخامنشی در پاسارگاد، تخت جمشید، شوش و به‌ویژه محوطه هخامنشی «کلات» در بحرین<sup>۳</sup> به عنوان اجزای یک استقرار بسیار بزرگ شهری به حساب آورده‌اند (Ibid: 94). وجود یک شهر هخامنشی در منطقه برازجان (جدای از بندر تموکان) به‌خوبی می‌تواند از اهمیت و آبادانی بسیار حوزه دشتستان در دوره هخامنشی پرده بردارد. منطقه‌ای که به دلیل جغرافیای طبیعی مناسب نسبت به دیگر بخش‌های کرانه دریای پارس و البته جغرافیای سیاسی مطلوب در سایه رونق چشم‌گیر مسیر ارتباطی دریای پارس، وجود بندر تموکان و نقش آن در ارتباط با کرانه‌های بسیار دوردست شاهنشاهی بایستی از امنیت و رونق تجاری بالایی برخوردار بوده باشد، اگرچه تا شناخت رضایت‌بخش راه طولانی

۱- از شیوه‌های رایج و معمول تراشیدن و جدا کردن اطراف سنگ و قراردادی «گوه‌های» چوبی در فاصله‌های مشخص از یکدیگر بوده است که پس از آن که آن‌ها را با آب مرطوب می‌کردند بر اثر افزایش حجم موجب شکستگی بلوک‌های سنگی از بستر خود می‌شدند. برای آگاهی بیشتر در مورد شیوه استخراج در معدن‌های سنگ هخامنشی نک: شهبازی ۲۳۸: ۱۳۸۴.

۲- در رابطه با ادعای کشف یک آبراه در منطقه برازجان از دوره هخامنشی و نقد آن نک: Whitcomb, D. 1987: Potts 2010.

۳- برای آگاهی بیشتر نک: Hojlund 1997.

بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی منسجم و دقیق پیش‌رو است. به ویژه آن که لازم است تا بررسی‌های بیشتری برای شناسایی و کاوش محل دقیق بندر تموکان به اجرا گذاشته شود، اگرچه میزان بالای رسوب‌گذاری در مصب یا دلتای رود دالکی و کیفیت ساخت‌وسازهای مردمی که انتظار است از موادی سست و تجزیه‌پذیر مانند خشت و تنه درختان تشکیل شده باشد، کار شناسایی را سخت کرده و نیاز به بررسی‌های «آرکئو ژئوفیزیک» را به عنوان یک راهکار مناسب ضروری می‌کند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کشف و شناسایی سه سازه مهم و شاخص هخامنشی در منطقه برازجان و در فاصله‌ای کمتر از یک روز سفر در دوران باستان تا ساحل نیلگون دریای پارس زمانی که در کنار سایر شواهد باستان-شناختی و تاریخی از جایگاه دریای پارس در گستره شاهنشاهی هخامنشی قرار می‌گیرد به خوبی معنا و مفهوم خود را در تأیید درستی شناسایی مکان بندرگاه تموکان در مصب رود دالکی و جایگاه آن بندر به عنوان نقطه آغاز یا پایان سفرهای دریایی دولتی و سیاسی یا تجاری به سرزمین‌های جنوبی‌تر پارس مانند «مکا» در عمان امروزی یا بحرین و مسیرهای دوردست تری مانند مصر و هندوستان، باز می‌یابد. خوشبختانه شواهد موجود آن قدر مستحکم و مستند هست تا هیچ شائبه‌ای از حضور ریشه‌دار و قدرتمند ایرانیان در دریا به موازات کنترل و سیطره سیاسی بر خشکی‌ها باقی نگذارد. در پایان بار دیگر یادآور می‌شویم که نکته مهم دیگری که قصد توجه به آن را داشتیم شناسایی مناسب و بهینه و البته فراهم کردن بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم برای این کار در عرصه داخلی و جهانی از اهمیت و جایگاه سازه‌های کشف شده و حفظ و نگهداری مناسب آن‌ها به عنوان امانت‌هایی از گذشتگان مان برای جلوگیری از هر گونه تحریف و جعل‌سازی فرهنگی و تاریخی است.

۱- قابل توجه این که آثار یاد شده در این نوشتار محدود به منطقه دشتستان بوده و از این رو برای مشاهده و آگاهی بیشتر از دیگر محوطه‌های هخامنشی استان بوشهر مانند سنگ‌نبشته خارک و آرامگاه سنگی «بزپر» به منابع زیر نک: یزدانی ۱۳۸۹: ۹-۳۴، مصطفوی ۱۳۴۳، بشاش ۱۳۸۶.

## منابع

- آمیه، پی‌یر. (۱۳۸۱). *تاریخ عیلام*، ترجمه: شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، نصرالله... (۱۳۸۶). «تحلیل فضایی سازه‌های هخامنشی برازجان»، *پایان نامه* برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- بشاش، رسول. (۱۳۸۶). «سنگ نوشته هخامنشی در دل خلیج فارس»، *ماهنامه صنعت گردشگری*، شماره ۱۱، صفحه ۳۱.
- توین، بی‌آرنولد. (۱۳۷۸). *جغرافیای اداری هخامنشیان*، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۵). *کلیات فلسفه*، تهران، دانشگاه پیام نور.
- دارک، کن. (۱۳۷۹). *میانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران، نشر دانشگاهی.
- سرفراز، علی‌اکبر. (۱۳۵۰). «کشف کاخی از عهد کورش کبیر در ساحل خلیج فارس»، *باستان‌شناسی و هنر ایران*، شماره هفتم و هشتم، صص: ۱۹-۳۲.
- شهبازی، شاپور. (۱۳۸۴). *راهنمای مستند تخت جمشید*، تهران، انتشارات سفیران.
- فخرایی، محمدجواد. (۱۳۹۰). «بردک سیاه کاخی در اعماق تاریخ»، *جام جم*، ۲۱ مهرماه، ۱۵.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۴۳)، *اقلیم پارس آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس*، تهران، انجمن آثار ملی.
- مدنی، احمد. (۱۳۶۹)، «دریانوردی در خلیج فارس و پیشینه تاریخی آن»، در *مجموعه مقالات خلیج فارس*، مرکز مطالعات خلیج فارس وابسته به وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۳-۱۲۱.
- یزدانی، ا.، همپانژاد، ا. (۱۳۸۹). «رویکردی باستان‌شناختی بر جغرافیای تاریخی دریای پارس و کرانه‌های آن در دوران هخامنشی» *فصلنامه خلیج فارس*، سال نخست، شماره دوم. صص. ۹-۳۴.
- یغمایی، اسماعیل. (۱۳۸۴). «گزارش فصل دوم کاوش کاخ بردک سیاه» چاپ نشده، بایگانی کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی.
- Arrian, 1809. *The Voyage of Nearchus and the Periplus of the Erythrean Sea*, translated by: W. Vincent, Oxford
- Boardman, J. 2000. *Persia and the West*, London, Thames & Hudson
- Carter, R.A., Challis, K., Priestman, S.M.N., Tofighian, H. 2006. "The Bushehr Hinterland: results of the first season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province" *Iran* vol.XLIV, pp,63-104
- Cook, J. M. 1983. *The Persian Empire*, U.S. , Schocken Books.

- d'Anville, Bourguignon 1764. 'Recherches géographiques sur le golfe Persique, et sur les bouches de l'Euphrate et du Tigre', Mémoires de littérature, tirées des registres de l'Académie Royale des Inscriptions et Belles-Lettres 30, pp.132-197.
- Garrison, M.B. and M.C. Root, 1996/8. Persepolis Seal Studies: An introduction with provisional concordances of seal numbers and associated documents on Fortification Tablets 1-2087 (Ach. His. 9), Leiden.
- Hallock, R. 1959. "The Elamite texts from Persepolis," in Akten des vierundzwanzigsten internationalen Orientalisten-Kongresses München, ed. H. Franke, Wiesbaden, Germany. Pp. 177-79.
- Henkelman, W. 1995-6, "Royal Achaemenid Crown", AMI, band 28, Berlin. pp. 275-284.
- Herodotus 1828. The Nine Books of the History of Herodotus, Vol.1, translated by: P. T. Laurent, Oxford
- Hojlund, F. 1997. Qala'at al-Bahrain volume 2. The Central Monumental Buildings. Aarhus, Aarhus University Press.
- Lambeck, K. 1996 "Shoreline Reconstruction for the Persian Gulf since the Last Glacial Maximum", Earth and Planetary Science Letters no.142: 43-57.
- Meineke, A. 1849. Stephani Byzantii Ethnicorum quae supersunt, Vol. 1, Berlin, Reimer.
- Metzler, D. 1977, " Ptolemaios' Geographie und die Topographie der Persepolis Fortification Tablets," in XIX. Deutscher Orientalistentag, ed. W. Voigt, Wiesbaden, Germany: ZDMG Supplement 3/2, 1057-60.
- Pezard, M. 1914. Mission a Bender-Bouchir. Documents archeologiques. Ernest Leroux, Paris.
- Posener. D. 1936. La premiere domination Perse en Egypte, Cairo.
- Potts, D. 2009. "The Archaeology and Early History of the Persian Gulf", in The Persian Gulf in History, ed. By Potter, Lawrence, Palgrave Macmillan. Pp. 27-56.
- ..... 2010. "Achaemenid interests in the Persian Gulf ", in Curtis, J. and Simpson, J. (eds), The World of Achaemenid Persia History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East, Proceedings of a conference at the British Museum 29th September-1st October 2005, London, Tauris Publications, pp. 523-534.
- Sarfaraz, A. 1973. "Survey of Excavations", Iran 11, p.188.
- Schiwek, H. 1962. ' Der Persische Golf als Schiffahrts- und Seehandelsroute in achämenidischer Zeit und in der Zeit Alexanders des Grossen', Bonner Jahrbücher 162, pp. 4-97.
- Schmidt, E. 1953. Persepolis I : Structures. Reliefs. Inscriptions, the University of Chicago, Oriental Institute Publications.
- Strabo, 1857 The Geography of Strabo, Translated by: H. C. Hamilton and W. Falconer, London, Vol. III.
- Stronach, D. 1978. Pasargadae, Oxford, Oxford University Press.
- Stronach, D. 1964. " Excavation in Pasargadae: Second preliminary Report", Iran II.
- Vincent, W. 1809. Voyage of Nearchus and the Periplus of the Erythrean Sea , translated from the Greek , Oxford
- Whitcomb, D. 1987. "Bushire and the Angali Canal", Mesopotamia, vol.22, pp.311-36.

- Wiesehofer, J. 2001. Ancient Persia from 550 B.C. to 650 A.D., translated by: Azodi, Azizeh, London, I.B. Tauris Publishers.
- Yaghmae, S. 2005. "Excavations in Dashtestan", the article represented at the conference of The World of Achaemenid Persia, 29 September – 1 October, British Museum, London.

Archive of SID